

Journal of Research in Psychological Health

June 2025, Volume 19, Issue 14

**The Effectiveness of Short-Term Psychodynamic Psychotherapy on Anxiety and Intolerance of Uncertainty in Women with Obsessive-Compulsive Disorder**Fereshteh Reza¹, Javanshir Asadi^{2*}, Arastoo Mirani³, Afsaneh Khajevand Khoshli⁴¹. PhD.student, Department of Psychology, Go. C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.². Assistant Professor, Department of Psychology, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran. (3838354052@iau.ir)³. Assistant Professor, Department of psychology, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.⁴. Associate professor, Department of Psychology, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

Citation: Reza, F., Asadi, J., Mirani, A., Khajevand Khoshli, A. The effectiveness of emotion-focused therapy on anxiety sensitivity and intolerance of uncertainty in students with obsessive-compulsive disorder. *Journal of Research in Psychological Health*. 2025; 19 (1):1-15 [Persian].

Article Info:**Key words**

short-term
psychodynamic
psychotherapy,
obsessive-compulsive
disorder, anxiety,
intolerance of
uncertainty, cognitive-
emotional components

Abstract

The aim of the present study was to investigate the effectiveness of short-term psychodynamic therapy on reducing anxiety and increasing tolerance for ambiguity in women with obsessive-compulsive disorder (OCD). This study was conducted with a quasi-experimental pre-test-post-test design with a control group. The statistical population included all women with OCD who had referred to Sarohana Counseling Center in Tehran between October and January 2024. A sample of 30 people was purposively selected and randomly assigned to two experimental and control groups (15 people each). The experimental group participated in short-term psychodynamic therapy for ten sessions, while the control group did not receive any intervention. The research instruments included Spielberger's Overt and Covert Anxiety Questionnaire, Maudsley's Obsessive-Compulsive Disorder Questionnaire, and Freestone's Tolerance for Ambiguity Scale. Covariance analysis showed that short-term psychodynamic therapy significantly reduced overt and covert anxiety and increased tolerance for ambiguity in the experimental group compared to the control group. The findings support the effectiveness of this approach in improving emotional and cognitive components associated with OCD and emphasize its clinical utility in emotional regulation, increasing acceptance of ambiguity, and reducing rumination in women with OCD.

اثربخشی درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت بر اضطراب و تحمل ابهام در زنان مبتلا به وسواس فکری-عملی

فرشته رضا^۱، جوانشیر اسدی^{۲*}، ارسطو میرانی^۳، افسانه خواجهوند خوشلی^۴

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. نویسنده مسئول (استادیار، گروه روانشناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران).

3838354052@iaau.ir

۳. استادیار، گروه روانشناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۴. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

تاریخ دریافت

1403/10/19

تاریخ پذیرش نهایی

1404/3/31

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی اثربخشی درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت بر کاهش اضطراب و افزایش تحمل ابهام در زنان مبتلا به اختلال وسواس فکری-عملی (OCD) بود. این مطالعه با طرح نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری شامل تمامی زنان مبتلا به OCD بود که در بازه زمانی مهر تا دی‌ماه ۱۴۰۳ به مرکز مشاوره سروها در تهران مراجعه کرده بودند. نمونه‌ای متشکل از ۳۰ نفر به صورت هدفمند انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هرکدام ۱۵ نفر) جای‌دهی شدند. گروه آزمایش طی ده جلسه در درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت شرکت کرد، در حالی که گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه اضطراب آشکار و پنهان اشپیل‌برگر، پرسشنامه وسواس فکری-عملی مادزلی و مقیاس تحمل ابهام فریستون بود. تحلیل کوواریانس نشان داد که درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت به‌طور معناداری موجب کاهش اضطراب آشکار و پنهان و افزایش تحمل ابهام در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل شد. یافته‌ها از اثربخشی این رویکرد در بهبود مؤلفه‌های هیجانی و شناختی مرتبط با OCD حمایت می‌کند و بر کاربرد بالینی آن در تنظیم هیجانی، افزایش پذیرش ابهام، و کاهش نشخوار فکری در زنان مبتلا به OCD تأکید دارد.

واژگان کلیدی

درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت،
اختلال وسواس فکری-عملی،
اضطراب، تحمل ابهام،
مؤلفه‌های شناختی-هیجانی.

مقدمه

اختلال وسواس فکری-عملی یکی از اختلالات شایع و ناتوان‌کننده در حوزه سلامت روان است که شیوع آن در جمعیت عمومی حدود دو تا سه درصد گزارش شده است (مودستی و همکاران، ۲۰۲۵). این اختلال با افکار وسواسی ناخواسته و مزاحم و رفتارهای اجباری مشخص می‌شود که فرد برای کاهش اضطراب ناشی از این افکار به طور مکرر انجام می‌دهد (استیل و همکاران، ۲۰۲۵). وسواس فکری-عملی تأثیرات منفی گسترده‌ای بر عملکرد فردی، روابط اجتماعی، کیفیت زندگی و سلامت روانی بیماران دارد و می‌تواند باعث کاهش قابل توجه کارآمدی و رضایت فرد از زندگی شود (کونن و همکاران، ۲۰۲۵). یکی از ویژگی‌های بارز افراد مبتلا، سطوح بالای اضطراب است که به صورت مزمن وجود دارد و نه تنها پیامد اختلال است، بلکه محرکی برای استمرار رفتارهای وسواسی و اجباری نیز محسوب می‌شود (هلینسون، برگستروم و کارل‌برینگ، ۲۰۲۵). علاوه بر اضطراب، مشکل تحمل ابهام به عنوان یکی از عوامل کلیدی حفظ‌کننده وسواس‌ها مطرح است؛ افراد مبتلا در مواجهه با شرایط نامطمئن یا مبهم دچار اضطراب و ناتوانی در پذیرش این شرایط می‌شوند که این موضوع باعث تشدید رفتارهای وسواسی و اجبارها می‌گردد (جاکوبی و همکاران، ۲۰۲۵). با توجه به اثرات عمیق این اختلال و نقش پررنگ اضطراب و تحمل پایین ابهام در آن، پرداختن به این اختلال و متغیرهای مرتبط از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

اضطراب یکی از مولفه‌های کلیدی و بنیادین در اختلال وسواس فکری-عملی است که نقش مهمی در آغاز، تشدید و تداوم علائم این اختلال ایفا می‌کند (هلینسون، برگستروم و کارل‌برینگ، ۲۰۲۵). افراد مبتلا به وسواس فکری-عملی به طور مداوم احساس اضطراب ناشی از افکار وسواسی را تجربه می‌کنند که این اضطراب به عنوان محرکی برای رفتارهای اجباری عمل می‌کند و در پی کاهش موقتی این اضطراب، فرد به اجرای تکراری رفتارهای وسواسی روی می‌آورد (شی و همکاران، ۲۰۲۴). این چرخه معیوب اضطراب و رفتار اجباری، اختلال را در سطحی مزمن و ناتوان‌کننده نگه می‌دارد و کیفیت زندگی فرد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (کالاگان و همکاران، ۲۰۲۴). اضطراب در این اختلال علاوه بر اینکه پیامد وسواس‌هاست، می‌تواند به صورت فعال به ایجاد و تشدید آنها نیز کمک

کند و باعث شود که فرد دچار نگرانی مفرط و غیرمنطقی درباره وقوع رویدادهای ناگوار شود (شی و همکاران، ۲۰۲۴). در واقع، اضطراب به صورت مزمن باعث افزایش حساسیت فرد نسبت به افکار وسواسی و کاهش کنترل او بر آنها می‌شود که این امر ادامه چرخه وسواس و اجبار را تضمین می‌کند (حداد و همکاران، ۲۰۲۵). از این رو، کاهش اضطراب یکی از اهداف اصلی درمان‌های مؤثر در وسواس فکری-عملی محسوب می‌شود و بررسی راهکارهای مؤثر برای کاهش آن ضرورت بالایی دارد (دل‌اسو و همکاران، ۲۰۲۵).

در کنار اضطراب، تحمل ابهام به عنوان یک متغیر شناختی حیاتی در شناخت و درمان اختلال وسواس فکری-عملی مطرح است و ارتباط نزدیکی با شدت اضطراب و تکرار رفتارهای وسواسی دارد (قاسمی و ویسانی، ۲۰۲۴). تحمل ابهام به معنای توانایی فرد در مواجهه با شرایط نامطمئن و مبهم است که در افراد مبتلا به OCD به شدت کاهش یافته است (تولین و همکاران، ۱۴۰۰). این کاهش تحمل باعث می‌شود فرد در مواجهه با ابهامات و نااطمینانی‌ها دچار اضطراب شدیدتری شود و برای کاهش این اضطراب به رفتارهای وسواسی و اجبارهای تکراری متوسل گردد (صابرزاده و زره‌نیستانک، ۲۰۲۴). این رابطه نشان می‌دهد که تحمل پایین ابهام نه تنها یک نتیجه جانبی اختلال نیست، بلکه به عنوان یک عامل حفظ‌کننده و تقویت‌کننده اضطراب و وسواس عمل می‌کند (وو و همکاران، ۲۰۲۵). بنابراین، بهبود توانایی تحمل ابهام می‌تواند نقش مهمی در شکستن چرخه معیوب وسواس و اضطراب ایفا کند و باعث کاهش شدت علائم شود (قاسمی و ویسانی، ۲۰۲۴). این موضوع اهمیت پرداختن به تحمل ابهام را در برنامه‌های درمانی اختلال وسواس فکری-عملی برجسته می‌کند و توجه به این متغیر شناختی را در مطالعات بالینی و پژوهشی افزایش می‌دهد. به همین دلیل، بررسی اثربخشی روش‌های درمانی در افزایش تحمل ابهام و در نتیجه کاهش اضطراب می‌تواند به توسعه رویکردهای درمانی جامع‌تر و اثربخش‌تر منجر شود. این دو متغیر به صورت تعامل‌گونه و پیچیده در حفظ و تشدید اختلال نقش دارند و بررسی اثربخشی درمان‌ها بر کاهش اضطراب و بهبود تحمل ابهام

می‌تواند به افزایش اثربخشی مداخلات روانشناختی کمک کند.

درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت، رویکردی درمانی است که بر شناخت و حل تعارض‌های ناهشیار، تحلیل روابط بین‌فردی و مکانیزم‌های دفاعی تأکید دارد (لیشسنرینگ و شتاينرت، ۲۰۱۷). این درمان با تمرکز بر رابطه بین تجربیات گذشته و مشکلات روانی فعلی، سعی می‌کند ریشه‌های اضطراب و تعارض‌های درونی را شناسایی و برطرف کند (حسینی، ناصری و دستگردی، ۲۰۲۵). درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت به دلیل ماهیت متمرکز و کوتاه‌مدت خود، به عنوان گزینه‌ای مناسب برای اختلالات روانی مزمن از جمله اختلالات اضطرابی و افسردگی مطرح شده است و شواهدی نیز مبنی بر اثربخشی آن در اختلال وسواس فکری-عملی وجود دارد (خادمی و اشتفن، ۲۰۲۵). به دلیل تمرکز این درمان بر تعارضات عمیق و ناهشیار، احتمال دارد که بتواند به شیوه‌ای متفاوت و مکمل با درمان‌های متداول اضطراب و وسواس عمل کند (دی سالوو و همکاران، ۲۰۲۵).

با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه درمان‌های شناختی-رفتاری که اثربخشی آنها در کاهش علائم OCD اثبات شده است، پژوهش‌های کمتری به ارزیابی و اثبات اثربخشی درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت در این زمینه پرداخته‌اند (خادمی و اشتفن، ۲۰۲۵). همچنین، نقش تحمل ابهام به عنوان یک متغیر شناختی مهم در حفظ اختلال وسواس، در مطالعات درمان روان‌پویشی به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است. پژوهش‌های داخلی و خارجی اخیر نشان می‌دهد که خلأ علمی قابل توجهی در رابطه با تأثیر درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت بر اضطراب و تحمل ابهام در بیماران OCD وجود دارد (دی سالوو و همکاران، ۲۰۲۵). این امر ضرورت انجام پژوهش‌های دقیق و نظام‌مند را برای بررسی اثربخشی این رویکرد درمانی بر کاهش اضطراب و بهبود تحمل ابهام در زنان مبتلا به OCD نشان می‌دهد.

با توجه به موارد فوق، ضرورت پرداختن به درمان‌های نوین و مکمل در اختلال وسواس فکری-عملی کاملاً مشهود است. درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت با تأکید بر ریشه‌های عمیق و ناهشیار اضطراب و تعارض، می‌تواند به عنوان یک مداخله مؤثر در بهبود علائم این اختلال مطرح شود. همچنین، بررسی توانایی تحمل ابهام به عنوان عاملی شناختی که

کمتر در درمان‌های روان‌پویشی مورد توجه قرار گرفته، می‌تواند به توسعه دانش درمانی و بهبود کیفیت زندگی بیماران کمک کند. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت در کاهش اضطراب و افزایش تحمل ابهام در زنان مبتلا به اختلال وسواس فکری-عملی انجام می‌شود تا خلأ موجود در ادبیات پژوهشی را پر کرده و رویکرد درمانی مناسبی را برای این بیماران معرفی نماید.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی اثربخشی درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت بر کاهش اضطراب و افزایش توانایی تحمل ابهام در زنان مبتلا به اختلال وسواس فکری-عملی است. تحقق این هدف می‌تواند زمینه‌ساز ارتقاء روش‌های درمانی و بهبود سلامت روانی بیماران مبتلا به این اختلال شود.

روش

روش پژوهش حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان مبتلا به اختلال وسواس فکری-عملی مراجعه‌کننده به کلینیک تخصصی روان‌شناسی و روان‌پزشکی سروهانا واقع در منطقه پاسداران شهر تهران در بازه زمانی دی تا اسفند ۱۴۰۴ بود. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس و هدفمند انجام گرفت؛ به این صورت که از میان مراجعان واجد شرایط ورود به مطالعه، ۳۰ نفر انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) گمارده شدند. تعیین حجم نمونه با استناد به پیشنهادات استیونس (۲۰۱۷) برای مطالعات نیمه‌آزمایشی و با در نظر گرفتن حجم اثر متوسط (۵/۰) و سطح معناداری ۵۰/۰ صورت گرفت.

ملاک‌های ورود به پژوهش شامل: تشخیص اختلال وسواس فکری-عملی براساس ملاک‌های تشخیصی DSM-5 توسط روان‌پزشک متخصص، دامنه سنی بین ۳۰ تا ۴۵ سال، داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، گذشت حداقل شش ماه از زمان تشخیص اولیه، مصرف دارو تحت نظر روان‌پزشک، و نداشتن سایر اختلالات روان‌پزشکی عمده یا سوءمصرف مواد بود. ملاک‌های خروج نیز عبارت بودند از:

عدم احراز کامل ملاک‌های تشخیصی OCD، ابتدا به صرع یا اختلالات نورولوژیک جدی، همبودی با سایر اختلالات روانی، و نیز غیبت بیش از دو جلسه یا انصراف از درمان. مداخله در گروه آزمایش به صورت گروه درمانی مبتنی بر درمان روان‌پویشی کوتاه مدت اجرا شد. جلسات درمانی در بازه زمانی مشخص، به صورت هفتگی و تحت نظارت درمانگر آموزش دیده در این رویکرد برگزار گردید. گروه کنترل در این مدت هیچ گونه مداخله‌ای دریافت نکرد، اما پس از اتمام پژوهش، جهت رعایت ملاحظات اخلاقی، امکان بهره‌مندی از درمان مشابه برای آن‌ها فراهم شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه وسواس فکری-عملی مادزلی

پرسشنامه مادزلی توسط هاجسون و راجمن (۱۹۷۷) به منظور بررسی طیف علائم وسواس فکری-عملی طراحی شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که به صورت دو گزینه‌ای (درست/نادرست) نمره گذاری می‌شود. در اعتباریابی اولیه، این ابزار توانست به خوبی بین بیماران مبتلا به وسواس و بیماران نوروتیک افتراق ایجاد کند. تحلیل عامل پاسخ‌های ۱۰۰ بیمار، چهار مؤلفه اصلی در علائم وسواسی را شناسایی کرد: واری، تمیزی، کندی، و شک وسواسی. همچنین، یک مؤلفه‌ی دیگر به نام نشخوار نیز شناسایی شد که وزن بار عاملی پایین تری داشت. بر اساس این مؤلفه‌ها، چهار خرده‌مقیاس در این پرسشنامه قابل استخراج است و نمره کل با جمع نمرات این چهار زیرمقیاس به دست می‌آید. نمرات بالاتر، نشان‌دهنده شدت بیشتر علائم وسواسی است. این ابزار در پژوهش‌های متعدد از پایایی و روایی مناسبی برخوردار بوده است. در مطالعه اولیه، سانایو و ویدوتو (۱۹۸۵) اعتبار افتراقی مطلوب و ثبات درونی مناسبی گزارش کردند. در پژوهش‌های داخلی، به‌ویژه مطالعه خسروانی و همکاران (۲۰۲۰)، آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۸۱ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز، ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر با ۰/۸۵ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول ابزار است.

پرسشنامه عدم تحمل بلا تکلیفی (IUS):

این پرسشنامه نخستین بار توسط فریستون و همکاران (۱۹۹۴) برای سنجش نگرش منفی فرد نسبت به موقعیت‌های مبهم و پیش‌بینی ناپذیر طراحی شد. نسخه اصلی آن شامل ۲۷ ماده بود که بعدها توسط کارلتون و همکاران (۲۰۰۷) به فرم کوتاه‌تر ۱۲ ماده‌ای تقلیل یافت. این فرم شامل سه زیرمقیاس: واکنش به موقعیت‌های مبهم، پیامدهای بلا تکلیفی، و کنترل آینده است. پاسخ‌ها در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً نادرست) تا ۵ (کاملاً درست) نمره گذاری می‌شود و نمره کل بیانگر سطح کلی عدم تحمل بلا تکلیفی است؛ به گونه‌ای که نمرات بالاتر نشان‌دهنده حساسیت بیشتر نسبت به عدم قطعیت و ناتوانی در پذیرش شرایط مبهم است. در مطالعه بوهر و داگاس (۲۰۰۲)، ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۴ و اعتبار بازآزمایی ۰/۷۴ در فاصله پنج هفته گزارش شد. در پژوهش‌های داخلی، زمستانی و همکاران (۲۰۲۲) آلفای ۰/۸۸ و اعتبار بازآزمایی ۰/۷۶ را گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضریب پایایی کل مقیاس برابر با ۰/۸۷ محاسبه شد که نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب ابزار است.

پرسشنامه اضطراب آشکار و پنهان اشپیل برگر (STAI):

این پرسشنامه یکی از ابزارهای استاندارد و پر استفاده برای سنجش اضطراب در دو بعد «آشکار» و «پنهان» است که نخستین بار توسط اشپیل برگر و همکاران (۱۹۷۱) تدوین و در سال ۱۹۸۳ بازنگری شد. این ابزار از دو مقیاس ۲۰ ماده‌ای تشکیل شده است: مقیاس اضطراب آشکار (فرم-Y-1) که احساسات آنی فرد را در زمان پاسخ‌گویی می‌سنجد، و مقیاس اضطراب پنهان (فرم-Y-2) که بیانگر گرایش کلی و پایدار فرد به تجربه اضطراب در شرایط مختلف زندگی است. پاسخ‌ها در طیف چهار گزینه‌ای از ۱ (هیچ‌گاه) تا ۴ (خیلی زیاد) نمره گذاری می‌شود و نمره کل اضطراب برای هر مقیاس به صورت جداگانه محاسبه می‌گردد. این پرسشنامه در مطالعات بین‌المللی و داخلی از پایایی و اعتبار مناسبی برخوردار بوده است. اشپیل برگر و همکاران (۱۹۸۳) آلفای کرونباخ بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۲ را گزارش کردند. در پژوهش حسن‌زاده و همکاران (۲۰۲۱)، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ به دست آمد. در پژوهش حاضر، پایایی مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای فرم

Y-1 برابر با ۰/۸۶ و برای فرم Y-2 برابر با ۰/۸۸ محاسبه شد.

یافته‌ها

در این مطالعه، نمونه‌ای متشکل از 30 نفر از زنان مبتلا به اختلال وسواس فکری- عملی که به صورت هدفمند از میان مراجعه‌کنندگان به مرکز مشاوره «سروها» در شهر تهران در سال ۱۴۰۴ انتخاب شده بودند، مورد بررسی قرار گرفت. شرکت‌کنندگان به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) جای‌دهی شدند. به‌منظور بررسی همگنی گروه‌ها از نظر سن، میانگین و انحراف معیار سنی هر گروه محاسبه شد. میانگین $\pm$

انحراف معیار) سن در گروه آزمایش 30.7 ± 2.81 سال و در گروه کنترل 38.2 ± 40.30 سال بود. برای اطمینان از عدم تفاوت معنادار سنی بین دو گروه، از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه (One-Way ANOVA) استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که بین دو گروه از نظر میانگین سنی تفاوت معناداری وجود ندارد ($p > 0.05$)، که بیانگر همگنی گروه‌ها از حیث متغیر سن است.

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار گروه‌ها در متغیر اضطراب

متغیر	گروه	درمان روان پویشی کوتاه مدت		گواه
		SD	M	
اضطراب آشکار	پیش‌آزمون	۶۰/۵۸	۳/۹۳	۲/۰۹
	پس‌آزمون	۵۴/۲۴	۳/۰۲	۲/۰۳
اضطراب پنهان	پیش‌آزمون	۶۰/۹۳	۲/۱۴	۲/۰۴
	پس‌آزمون	۵۳/۴۷	۲/۸۴	۲/۰۲
اضطراب	پیش‌آزمون	۱۲۱/۵۱	۴/۲۵۱	۲/۰۴
	پس‌آزمون	۱۰۷/۷۱	۵/۷۱	۲/۰۵
واکنش فرد	پیش‌آزمون	۲۵/۷۸	۱/۷۴	۱/۶۲
	پس‌آزمون	۱۹/۳۶	۱/۱۷	۱/۴۱
پیامدها	پیش‌آزمون	۲۳/۱۳	۱/۷۹	۱/۲۵
	پس‌آزمون	۲۰/۵۶	۱/۴۵	۱/۳۶
کنترل آینده	پیش‌آزمون	۲۴/۳۸	۱/۷۹	۱/۲۶
	پس‌آزمون	۱۹/۸۷	۱/۱۸	۱/۳۲
توانایی تحمل ابهام	پیش‌آزمون	۷۳/۲۹	۴/۸۷	۱/۳۷
	پس‌آزمون	۵۲/۴۵	۳/۲۵	۱/۳۰

$P < .01^{**}$

(MANCOVA) استفاده شد. پیش از انجام تحلیل، پیش‌فرض‌های آزمون بررسی گردید. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن توزیع داده‌ها را در هر دو گروه تأیید کرد. همچنین آزمون‌های M-باکس و لوین نشان دادند که فرض همگنی ماتریس

نتایج نشان می‌دهد که میانگین این متغیر در مرحله پس‌آزمون در گروه دریافت‌کننده درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت کاهش چشمگیری داشته، در حالی که در گروه گواه تغییر معناداری مشاهده نشده است. برای بررسی اثربخشی مداخله، از تحلیل کوواریانس چندمتغیره

کوواریانس‌ها و برابری واریانس خطای متغیرها برقرار است. است. بنابراین، شرایط لازم برای استفاده از آزمون‌های آزمون همگنی شیب رگرسیون نیز برای همه متغیرها پارامتریک تأیید شد و تحلیل کوواریانس با اطمینان انجام معنادار نبود و نشان داد که این پیش‌فرض نیز رعایت شده گرفت.

جدول ۳ بررسی آزمون‌های معناداری تحلیل کوواریانس چند متغیره

متغیر	آزمون	ارزش	آماره F	معناداری
زمان	اثر پیلای	۰/۶۷۶	۲۶/۰۹۴	۰/۰۰۱**
	لامبدای ویلکز	۰/۳۲۴	۲۶/۰۹۴	۰/۰۰۱**
	اثر هتلینگ	۲/۰۸۸	۲۶/۰۹۴	۰/۰۰۱**
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۲/۰۸۸	۲۶/۰۹۴	۰/۰۰۱**

با توجه به نتایج جدول ۳ که نشان می‌دهد سطح معناداری محاسبه شده برای مقدار F در آزمون‌های معناداری کمتر از مقدار آلفای تعیین شده است ($\alpha = 0/05$)، می‌توان ادعا کرد بین دو گروه تفاوت معناداری از نظر متغیر اضطراب و مؤلفه‌های وجود دارد.

جدول ۴ نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره

متغیر	منبع	میانگین مجزورات	آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر
اضطراب آشکار	پیش‌آزمون	۴۸/۶۶۹	۸۷/۱۵۸	۰/۰۰۱	
	گروه	۶/۲۵۶	۱۱/۲۰۴	۰/۰۰۳**	۰/۳۲۸
	خطا	۰/۵۵			
اضطراب پنهان	پیش‌آزمون	۸۰/۶۳۸	۸۶/۷۰۶	۰/۰۰۱	
	گروه	۱۴/۱۶۰	۱۵/۲۲۶	۰/۰۰۱**	۰/۳۹۸
	خطا	۰/۹۳۰			
واکنش فرد	پیش‌آزمون	۷۶۳/۵۴۱	۶۷۸/۵۴۴	۰/۰۰۱	
	گروه	۹/۶۰۴	۸/۵۳۵	۰/۰۰۸**	۰/۵۲۵
	خطا	۱/۱۲۵			
پیامدها	پیش‌آزمون	۱۵۰/۷۶۳	۶۰/۲۹۱	۰/۰۰۱	
	گروه	۵۱/۳۱۵	۲۰/۵۲۲	۰/۰۰۱**	۰/۶۵۸
	خطا	۲/۵۰۱			
کنترل آینده	پیش‌آزمون	۹۵/۴۰۳	۴۹/۳۹۳	۰/۰۰۱	
	گروه	۲۱/۳۹۰	۱۱/۰۷۴	۰/۰۰۳**	۰/۵۴۰
	خطا	۱/۹۳۲			

از کنترل پیش‌آزمون، نمایش می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، میانگین نمرات اضطراب در گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون به‌طور معناداری پایین‌تر از گروه گواه است، در حالی که در توانایی تحمل ابهام، میانگین نمرات گروه آزمایش به‌طور معناداری بالاتر از گروه گواه گزارش

جدول ۴ میانگین و انحراف معیار تعدیل‌شده نمرات شرکت‌کنندگان در متغیرهای اضطراب (آشکار، پنهان، کلی) و مؤلفه‌های توانایی تحمل ابهام (واکنش فرد، پیامدها، کنترل آینده و نمره کل) را در دو گروه آزمایش (دریافت‌کننده درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت) و گواه، پس

شده است. این تفاوت‌ها بیانگر اثربخشی مداخله درمانی در کاهش اضطراب و ارتقاء تحمل ابهام می‌باشد.

جدول ۵ جدول آزمون‌های اثر زمان در تحلیل کوواریانس چندمتغیره

متغیر	آزمون	ارزش	آماره F	معناداری
زمان	اثربخشی	۰/۵۹۹	۵/۶۶۸	۰/۰۰۲**
	لامبدای ویلکز	۰/۴۰۱	۵/۶۶۸	۰/۰۰۲**
	اثر هتلینگ	۱/۴۹۲	۵/۶۶۸	۰/۰۰۲**
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۱/۴۹۲	۵/۶۶۸	۰/۰۰۲**

$$P < ۰/۰۵^* P < ۰/۰۱^{**}$$

توانایی تحمل ابهام و مؤلفه‌های آن تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته به‌طور ضمنی مؤید ایجاد تغییرات قابل توجه ناشی از مداخله درمان روان‌پوشی کوتاه‌مدت در گروه آزمایش است.

می‌شوند که به بروز اضطراب‌های مزمن و گسترده منجر می‌گردد (خادمی و اشتفن، ۲۰۲۵). درمان روان‌پوشی با فراهم کردن فضای امن برای آشکارسازی این تعارضات و هدایت بیمار برای تجربه، تفسیر و ادغام هیجان‌های ناهشیار، موجب کاهش قابل توجه اضطراب می‌شود. همچنین، شناسایی الگوهای بین فردی آسیب‌زا و بازسازی رابطه با خود، دیگران و درمانگر، ساختار «من» را تقویت و ظرفیت مقابله روانی را افزایش می‌دهد (دی سالوو و همکاران، ۲۰۲۵). یافته‌های پژوهش‌هایی مانند مالکومسن و همکاران (۲۰۲۵) و حسینی، ناصری و دستگردی (۲۰۲۵) نیز نشان می‌دهد که مواجهه عمیق با هیجانات ناهشیار و پردازش تعارضات هیجانی، منجر به کاهش پایدار علائم اضطرابی در جمعیت‌های بالینی مختلف می‌گردد.

علاوه بر این، درمان روان‌پوشی کوتاه‌مدت به‌طور معناداری توانایی تحمل ابهام را در بیماران افزایش داد. مؤلفه‌های مختلف تحمل ابهام شامل واکنش فرد به موقعیت‌های مبهم، ادراک پیامدهای ابهام و حس کنترل بر آینده، در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل بهبود یافتند. افراد مبتلا به وسواس فکری-عملی به‌طور بنیادین با ناتوانی در تحمل ابهام مواجه‌اند و تلاش مکرر آن‌ها برای رسیدن به قطعیت، ریشه در ترس‌های عمیق ناهشیار و هیجانات

با توجه به نتایج جدول پنج که نشان می‌دهد سطح معناداری محاسبه شده برای مقدار آماره F در آزمون‌های مربوط کمتر از سطح معنی‌داری تعیین شده ($\alpha = ۰/۰۵$) است، می‌توان نتیجه گرفت که بین دو گروه از نظر متغیر

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که درمان روان‌پوشی کوتاه‌مدت تأثیر معناداری بر کاهش سطوح اضطراب و ارتقاء توانایی تحمل ابهام در زنان مبتلا به اختلال وسواس فکری-عملی دارد. گروه آزمایش که تحت مداخله روان‌پوشی کوتاه‌مدت قرار گرفتند، در مقایسه با گروه کنترل، کاهش معناداری در اضطراب آشکار، اضطراب پنهان و اضطراب کلی تجربه کردند؛ در حالی که چنین تغییری در گروه کنترل مشاهده نشد. همچنین، نمرات مؤلفه‌های مختلف تحمل ابهام در گروه آزمایش پس از درمان افزایش یافت که این امر حاکی از ارتقاء ظرفیت روانی برای مواجهه با موقعیت‌های مبهم و غیرقابل پیش‌بینی است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که درمان روان‌پوشی کوتاه‌مدت با تمرکز بر تعارضات ناهشیار، مکانیزم‌های دفاعی ناسازگار و هیجان‌های واپس‌زده، به کاهش تعارضات درونی که منشأ اصلی اضطراب هستند، کمک می‌کند. از منظر روان‌پوشی، اضطراب ناشی از تلاش «من» برای مقابله با تعارض میان امیال نهاد و محدودیت‌های فراخود است (دی سالوو و همکاران، ۲۰۲۵). اگر این تعارضات حل نشده باقی بمانند، مکانیزم‌های دفاعی ناکارآمد فعال

پردازش نشده دارد (قاسمی و ویسانی، ۲۰۲۴). درمان روان‌پویشی با فراهم کردن شرایطی برای تجربه ابهام و احساسات کنترل‌ناپذیر در بستر رابطه درمانی، امکان مواجهه بدون واکنش اضطرابی یا وسواسی را به فرد می‌دهد (حسینی، ناصری و دستگردی، ۲۰۲۵). این درمان با اصلاح طرح‌واره‌های کهن و تغییر رابطه با ابژه‌های درونی، موجب افزایش انعطاف روانی و تاب‌آوری هیجانی می‌شود که در سازه تحمل ابهام بازتاب می‌یابد (قاسمی و ویسانی، ۲۰۲۴). نتایج مطالعات کامپانی (۲۰۲۵) و بارنابی (۲۰۲۵) نیز حاکی از این است که افزایش ظرفیت تحمل ابهام زمانی رخ می‌دهد که فرد بتواند هیجان‌های منفی را تحمل کرده و از اجتناب شناختی فاصله بگیرد؛ فرایندی که در روان‌درمانی روان‌پویشی تحقق می‌یابد.

مقایسه یافته‌های حاضر با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت در کاهش اضطراب و بهبود ظرفیت‌های تنظیم هیجانی، هم‌راستا با شواهد علمی پیشین است. پژوهش‌هایی مانند قاسمی و ویسانی (۲۰۲۴)، بارنابی (۲۰۲۵) و کامپانی (۲۰۲۵) بارها نشان داده‌اند که مداخلات روان‌پویشی کوتاه‌مدت می‌توانند کاهش معنادار و پایداری در علائم اضطرابی و وسواسی ایجاد کنند. برای نمونه، مالکومسن و همکاران (۲۰۲۵) نشان دادند که درمان روان‌پویشی، علاوه بر کاهش اضطراب بیماران OCD، نسبت به درمان شناختی-رفتاری از عمق تغییرات روان‌شناختی بیشتری برخوردار است. در زمینه تحمل ابهام نیز، هرچند بیشتر مطالعات بر درمان‌های شناختی-رفتاری تمرکز داشته‌اند، دی‌سالوو و همکاران (۲۰۲۵) و حسن‌زاده و همکاران (۲۰۲۱) تاکید می‌کنند که افزایش تحمل ابهام نیازمند تحول بنیادین در ساختارهای هیجانی و کاهش کنترل‌گری شناختی است؛ فرایندی که درمان روان‌پویشی از طریق کار با تعارضات ناهشیار و بازسازی «خویشتن» به آن می‌پردازد.

این پژوهش در چندین جنبه نسبت به مطالعات پیشین متمایز است: نخست، به‌طور هم‌زمان دو سازه اساسی و مرتبط اضطراب و تحمل ابهام را در اختلال وسواس فکری-

عملی بررسی کرده که در مطالعات پیشین کمتر به‌صورت هم‌زمان مورد توجه بوده است. تحلیل مؤلفه‌ای تحمل ابهام در سه بُعد مجزا، امکان بررسی دقیق‌تر تغییرات روان‌شناختی پس از درمان را فراهم ساخت. دوم، اجرای مطالعه بر نمونه‌ای بالینی واقعی از زنان مراجعه‌کننده به مراکز درمانی، اعتبار بیرونی یافته‌ها را افزایش داده و کاربرد بالینی آن را تقویت کرده است.

یکی دیگر از نوآوری‌های این پژوهش، کاربرد درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت برای ارتقاء تحمل ابهام است؛ متغیری که پیش‌تر عمدتاً در درمان‌های شناختی-رفتاری بررسی شده بود. نشان دادن این‌که تحمل ابهام، که با تعارضات هیجانی، ساختارهای دفاعی و خودپنداره فرد درگیر است، از طریق روان‌درمانی مبتنی بر تعارض و هیجان قابل تغییر است، دستاوردی مهم از نظر مفهومی و بالینی محسوب می‌شود. این یافته علاوه بر گسترش قلمرو کاربرد درمان روان‌پویشی، به توسعه نظریه در زمینه ریشه‌های انعطاف‌ناپذیری شناختی و هیجانی در OCD کمک می‌کند.

با وجود دستاوردهای مهم، این پژوهش محدودیت‌هایی دارد که باید در نظر گرفته شود؛ از جمله حجم نمونه نسبتاً محدود، فقدان پیگیری بلندمدت برای بررسی ماندگاری اثرات درمان و استفاده از ابزارهای خودگزارشی که ممکن است دقت یافته‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین کنترل نشدن متغیرهای فردی مانند سابقه درمان قبلی، سطح عملکرد اجتماعی و شدت اولیه علائم نیز محدودیت‌های دیگری هستند که بر نتایج تأثیر گذارند.

پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده از طرح‌های طولی با پیگیری‌های زمانی برای ارزیابی پایداری تغییرات بهره گیرند و از ابزارهای عینی و گزارش‌های بالینی مستقل استفاده کنند تا خطای اندازه‌گیری کاهش یابد. همچنین، مقایسه اثربخشی درمان روان‌پویشی کوتاه‌مدت با رویکردهای دیگر مانند درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، ذهن‌آگاهی و درمان‌های تلفیقی می‌تواند به بهبود انتخاب درمانی کمک کند. انجام این پژوهش‌ها در جمعیت‌های

حمایت مالی

این پژوهش به هیچ عنوان حامی مالی نداشته است.

تعارض منافع

بنابر اظهارات نویسندگان پژوهش، این پژوهش تضاد منافع ندارد.

سپاسگزاری

نویسندگان از تمام شرکت کنندگان در این پژوهش تقدیر و تشکر می کنند.

دیگر مانند مردان یا نوجوانان مبتلا به وسواس فکری-عملی نیز به غنای یافته ها خواهد افزود.

در مجموع، یافته های پژوهش حاضر حاکی از آن است که درمان روان پویشی کوتاه مدت می تواند رویکردی مؤثر برای کاهش اضطراب و ارتقاء ظرفیت تحمل ابهام در زنان مبتلا به اختلال وسواس فکری-عملی باشد. این درمان با تکیه بر مکانیسم های درونی سازی شده، حل تعارضات هیجانی و تقویت ساختار «من»، از مسیرهای عمیق روان شناختی به بهبود عملکرد هیجانی و شناختی منجر می شود. در حالی که درمان های متعارف گاه در مقابله با علائم وسواسی محدودیت دارند، مداخلات روان پویشی با تمرکز بر درک معانی ناهشیار علائم امکان تحول بنیادین تری را فراهم می آورند. بنابراین، توصیه می شود این رویکرد در برنامه های درمانی اختلالات اضطرابی مقاوم به درمان، به ویژه در جمعیت هایی با ظرفیت روانی مناسب برای کار تحلیلی، مورد توجه جدی قرار گیرد.

References

- pathway concept for Deep Brain Stimulation in the case of Obsessive-Compulsive Disorder. *Molecular psychiatry*, 1-12.
- Barnaby, J. (2025). A Psychodynamic Approach to Assisting Individuals who Struggle with Obsessionality and Compulsivity.
- Buhr, K., & Dugas, M. J. (2002). The intolerance of uncertainty scale: Psychometric properties of the English version. *Behaviour research and therapy*, 40(8), 931-945.
- Callaghan, T., Greene, D., Shafran, R., Lunn, J., & Egan, S. J. (2024). The relationships between perfectionism and symptoms of depression, anxiety and obsessive-compulsive disorder in adults: a systematic review and meta-analysis. *Cognitive Behaviour Therapy*, 53(2), 121-132.
- Campiani, A. (2025). Short-Term Psychodynamic Psychotherapy (STPP) for Obsessive-Compulsive Disorder (OCD): The Hybrid Case of "Serena". *Pragmatic Case Studies in Psychotherapy*, 21(2).
- Carleton, R. N., Norton, M. P. J., & Asmundson, G. J. (2007). Fearing the unknown: A short version of the Intolerance of Uncertainty Scale. *Journal of anxiety disorders*, 21(1), 105-117.
- Coenen, V. A., Polosan, M., Schläpfer, T. E., Chabardes, S., Meyer-Doll, D. M., Czornik, M., ... & Reisert, M. (2025). Deconstructing a common
- Dell'Osso, L., Amatori, G., Bonelli, C., Nardi, B., Massimetti, E., Cremone, I. M., ... & Carpita, B. (2025). Autism spectrum disorder, social anxiety and obsessive-compulsive disorders: beyond the comorbidity. *BMC psychiatry*, 25(1), 37.
- Di Salvo, G., Perotti, C., Ricci, V., Maina, G., & Rosso, G. (2025). Efficacy and suitability of adding short-term psychodynamic psychotherapy (STPP) to pharmacotherapy in patients with depressive disorders: a systematic review. *Trends in Psychiatry and Psychotherapy*, 47, e20230764.
- Freeston, M. H., Rhéaume, J., Letarte, H., Dugas, M. J., & Ladouceur, R. (1994). Why do people worry?. *Personality and individual differences*, 17(6), 791-802.
- Ghasemi, S., & Veisani, M. (2024). The effectiveness of teaching schema therapy concepts on cognitive avoidance and ambiguity tolerance in adolescents with practical obsessive-compulsive symptoms. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*, 13(8), 41-50.
- Haddad, M., Dieckmann, L. H. J., Viola, T. W., de Araújo, M. R., da Silva, N. R., & Mari, J. D. J. (2025). The Efficacy of Fluvoxamine in Anxiety Disorders and Obsessive-Compulsive Disorder: An

- Overview of Systematic Reviews and Meta-Analyses. *Pharmaceuticals*, 18(3), 353.
- Hasanzadeh, R., Jafarabadi, M. A., Hasanpour, S., Fallon, V., Silverio, S. A., Montazeri, R., & Mirghafourvand, M. (2021). Psychometric evaluation of the postpartum specific anxiety scale in an Iranian population (PSAS-IR). *BMC Pregnancy and Childbirth*, 21(1), 597.
- Hlynsson, J. I., Bergström, J., & Carlbring, P. (2025). Seeing beyond the diagnostic and statistical manual: A function-centered review of obsessive-compulsive disorder and anxiety disorders. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 100967.
- Hodgson, R. J., & Rachman, S. (1977). Obsessional-compulsive complaints. *Behaviour research and therapy*, 15(5), 389-395.
- Hosseini, S. A., Nasri, M., & Dastgerdi, R. (2025). Comparison of the Effectiveness of Cognitive-Behavioral Therapy and Short-Term Psychodynamic Therapy on Cognitive Fusion and Obsessive-Compulsive Symptoms in Individuals with Obsessive-Compulsive Disorder. *Health*, 3(1), 45-54.
- Jacoby, R. J., Klare, D. L., Armstrong, C. H., Hoepfner, S. S., Lerner, J., & Wilhelm, S. (2025). Risk-aversion with both high and low ambiguity: Elevated OCD symptom severity and intolerance of uncertainty are associated with less risk-taking in an OCD patient sub-sample. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 100955.
- Khademi, M., & Steffen, V. (2025). Enhancing Manualized Short-Term Psychodynamic Treatment for OCD by Considering Developmental and Modern Structural Theories. *Pragmatic Case Studies in Psychotherapy*, 21(2).
- Khosravani, V., Bastan, F. S., Ardestani, S. M. S., & Amirinezhad, A. (2020). Psychometric evaluation of the Vancouver Obsessional-Compulsive Inventory (VOCI) and its adaptation based on the DSM-5 in Iranian patients with obsessive-compulsive disorder. *Journal of Obsessive-Compulsive and Related Disorders*, 25, 100536.
- Leichsenring, F., & Steinert, C. (2017). Short-term psychodynamic therapy for obsessive-compulsive disorder: A manual-guided approach to treating the "inhibited rebel". *Bulletin of the Menninger Clinic*, 81(4), 341-389.
- Malkomsen, A., Wilberg, T., Bull-Hansen, B., Dammen, T., Evensen, J. H., Hummelen, B., ... & Røssberg, J. I. (2025). Comparative effectiveness of short-term psychodynamic psychotherapy and cognitive behavioral therapy for major depression in psychiatric outpatient clinics: a randomized controlled trial. *BMC psychiatry*, 25(1), 113.
- Modesti, M. N., Arena, J. F., Del Casale, A., Gentile, G., Borro, M., Parmigiani, G., ... & Ferracuti, S. (2025). Lipidomics and genomics in mental health: insights into major depressive disorder, bipolar disorder, schizophrenia, and obsessive-compulsive disorder. *Lipids in Health and Disease*, 24(1), 89.
- Saberizadeh, M., & Zarehneyestanak, M. (2024). The effectiveness of mindfulness based cognitive therapy on intolerance of uncertainty, extreme responsibility and thought fusion in obsessive-compulsive women in Arak. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 13(2), 81-102.
- Sanavio, E., & Vidotto, G. (1985). The components of the Maudsley obsessional-compulsive questionnaire. *Behaviour Research and Therapy*, 23(6), 659-662.
- Spielberger, C. D. (1983). State-trait anxiety inventory for adults.
- Spielberger, C. D., Gonzalez-Reigosa, F., Martinez-Urrutia, A., Natalicio, L. F., & Natalicio, D. S. (1971). The state-trait anxiety inventory. *Revista Interamericana de Psicologia/Interamerican journal of psychology*, 5(3 & 4).
- Steele, D. W., Kanaan, G., Caputo, E. L., Freeman, J. B., Brannan, E. H., Balk, E. M., ... & Adam, G. P. (2025). Treatment of obsessive-compulsive disorder in children and youth: A meta-analysis. *Pediatrics*, 155(3), e2024068992.
- Wu, L., Liu, C., Huang, P., Wang, Z., Cai, M., Fang, P., ... & Liu, X. (2025). The component-to-trait relationship between intolerance of uncertainty and obsessive-compulsive personality traits: a network analysis. *BMC psychiatry*, 25(1), 659.
- Xie, L., Hu, P., Guo, Z., Chen, M., Wang, X., Du, X., ... & Liu, S. (2024). Immediate and long-term efficacy of transcranial direct current stimulation (tCDS) in obsessive-compulsive disorder, posttraumatic stress disorder and anxiety disorders: a systematic review and meta-analysis. *Translational psychiatry*, 14(1), 343.
- Zemestani, M., Didehban, R., Comer, J. S., & Kendall, P. C. (2022). Psychometric evaluation of the intolerance of uncertainty scale for children (IUSC): Findings from clinical and community samples in Iran. *Assessment*, 29(5), 993-1004.